

Strategies of Imam al-Sajjad (AS) in Confronting Racial Discrimination

Mohammad Molavi¹

Fatemeh Ebadi²

(Received on: 2024-06-15; Accepted on: 2024-10-07)

Abstract

One of the various deviations during the era of Imam al-Sajjād (AS), rooted in the ideological, political, and social atmosphere of that time, was racial discrimination, which had manifested in different forms within society. Preferring Arabs over non-Arabs, tribes boasting to one another, dehumanizing non-Arabs, and Arabs refraining from marrying non-Arabs are examples of this phenomenon. This research employs a descriptive-analytical method to examine the theoretical and practical strategies of Imam al-Sajjād (AS) in confronting racial discrimination. The results indicate that the Imam addressed this social deviation theoretically through awareness-raising, strengthening religious foundations, and increasing insight, and practically by presenting a practical model.

Keywords: Imam al-Sajjād (AS), Racial Discrimination, Social Deviations, Sirah of Imam al-Sajjād (AS), Confronting Racism, Social Justice in Islam

1. Associate Professor, Department of Qur'an & Hadith Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (corresponding author)). Email: molavi@isr.ikiu.ac.ir

2. M.Sc., Qur'an & Hadith Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran).
Email: Fabedi75@chmail.ir

راهبردهای امام سجاد علیه السلام در مقابله با تبعیض نژادی

محمد مولوی^۱

فاطمه عبادی^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۶]

چکیده

یکی از انواع انحرافات عصر امام سجاد علیه السلام که ریشه در فضای عقیدتی، سیاسی و اجتماعی آن دوران داشت، تبعیض نژادی بود که به شکل‌های گوناگون در جامعه متبلور شده بود. مقدم دانستن عرب بر غیرعرب، مباحات ورزیدن قبائل نسبت به یکدیگر، غیرعرب را انسان ندانستن، و ازدواج نکردن عرب با غیرعرب نمونه‌هایی از آن‌هاست. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی راهبردهای نظری و عملی امام سجاد علیه السلام در مقابله با تبعیض نژادی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد امام در بُعد نظری از طریق آگاهی‌بخشی و تقویت بنیه اعتقادی و بصیرت‌افزایی و همچنین در بُعد عملی با ارائه الگوی عملی به مقابله با این انحراف اجتماعی پرداخته است. **واژگان کلیدی:** امام سجاد علیه السلام، تبعیض نژادی، انحرافات اجتماعی، سیره امام سجاد علیه السلام، مقابله با نژادپرستی، عدالت اجتماعی در اسلام

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی علیه السلام، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

molavi@isr.ikiu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی علیه السلام، قزوین، ایران Fabedi75@chmail.ir

۱. بیان مسئله

یکی از انحرافات بزرگ اجتماعی در تمامی دوران‌ها در جوامع بشری، تبعیض نژادی است. مراد از تبعیض نژادی آن است که شخص، گروه، رنگ، زبان، تعلق به یک نژاد یا طبقه اجتماعی خاص خود را برتر بداند (آقابخشی، ۱۳۷۴: ص ۹۷). این انحراف در دوران جاهلیت، میان اعراب بسیار گسترده بود و دین اسلام از آغاز با آن مبارزه کرد و پس از پیامبر (ص) یکی از ابزارهای حکومت اموی برای ایجاد تفرقه میان مردم و در نتیجه، حکمرانی بهتر بر آنان، به ویژه در دوران امام سجاد (ع) بود (عبادی، ۱۳۴۲: ص ۱۲۲). مبارزه امام با این پدیده، به دلیل اینکه در حساس‌ترین و سخت‌ترین دوران از لحاظ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی قرار داشت، از اهمیت بالاتری برخوردار است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی درصدد است تا به این سؤال پاسخ دهد: «امام سجاد (ع) با چه روش‌هایی با تبعیض نژادی مقابله کرده است؟»

امام سجاد (ع) با استفاده از آگاهی بخشی درباره پیامدهای تبعیض نژادی، تأکید بر برابری و برادری انسان‌ها و همچنین اقداماتی عملی همچون آزادسازی بردگان، به مقابله با تبعیض نژادی پرداخت و آن را به چالش کشید. در این پژوهش منابع دست‌اول تاریخی، سیره، احادیث امام سجاد (ع) و صحیفه سجادیه کاویده شده است. معیار انتخاب منابع و مآخذ، تاریخی بودن مسئله مورد پژوهش است؛ از این رو، تکیه پژوهشگران بر گزارش‌های منابع معتبر تاریخی است. داده‌های منابع تاریخی براساس روش‌های تحقیق تاریخی و ضوابط و قوانین فقه الحدیثی کاویده شده، و تلاش شده است از استناد به گزارش‌های شاذ و غیرمستند پرهیز شود.

بنابراین، از سویی تبیین شرایط اجتماعی و فرهنگی دوران امام سجاد (ع)، کاویدن متون تاریخی را بایسته است و از سویی دیگر، تبیین قاموس و نظام فکری و راهکارهای نظری و عملی امام، ژرف‌کاوی همه‌جانبه میراث گذشتگان را می‌طلبد. ضمن پاسداشت آثار برجای مانده از گذشتگان می‌توان گفت پژوهشی علمی و مستند درباره زوایای زندگی فردی و تبلیغی امام

سجاد علیه السلام به ویژه درباره مسئله مورد پژوهش، آن گونه که شایسته است تدوین نشده و این امر، عزم جدی محققان و پژوهشگران را برای تلاشی علمی و گسترده می طلبد.

۲. پیشینه تحقیق

درباره سیره امام سجاد علیه السلام در مواجهه با تبعیض نژادی، پژوهش مستقلى صورت نگرفته است؛ ولی محققان و پژوهشگران در نگاشته‌هایی در قالب کتاب و مقاله به مناسبت‌های مختلف، به تبیین سیره کلی امامان علیهم السلام در ابعاد مختلف این مسئله پرداخته‌اند که به مناسبت، ممکن است به برخی از روایات امام سجاد علیه السلام نیز اشاره شود. میراث گذشتگان را در دو دسته می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. دسته اول آثاری است که به صورت کلی به نقد نژادپرستی و تبعیض نژادی از منظر اسلام پرداخته است: برخی از مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از: «اسلام و مسئله نژادپرستی»، عبدالحمید عبادی؛ «اسلام و تبعیضات نژادی»، علی حجتی کرمانی؛ «اسلام و مبارزه با تبعیضات»، محمد شریفی اشکوری؛ «نقد مبانی نژادپرستی از دیدگاه قرآن»، اکرم حیدری و طاهره جوکار؛ «تبعیض از منظر قرآن، پیامبر و ائمه علیهم السلام»، سیدعلی صادق‌خواه؛ «راهبردهای قرآن برای مقابله با تبعیض نژادی»، محمد جعفری و همکاران؛ «نژادپرستی یهودیان از دیدگاه قرآن»، سیدمهدی لطفی و اکرم حیدری.

۲. دسته دیگر به نقد این انحراف اجتماعی از منظر سیره معصومان علیهم السلام پرداخته است. برخی از مهم‌ترین آثاری که در آن‌ها به بررسی و نقد نژادپرستی از نظر سیره معصومان علیهم السلام پرداخته شده است، عبارت‌اند از: «نظام قشربندی اجتماعی در سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله»، رهام رضائیان؛ «واکاوی مفهوم تبعیض نژادی و راهبردهای مقابله با آن بر مبنای فرمایشات حضرت علی علیه السلام»، مرجان کیان و همکاران؛ «کرامت انسانی در سیره و سخن امام

زین العابدین (ع)، حمیدرضا مطهری؛ «تبعیض نژادی از منظر قرآن و سنت»، ملک زاده؛

«پرهیز از تبعیض نژادی در سیره رسول الله (ص)، علی محمد تاج الدین.

ضمن پاسداشت زحمات پیشینیان، در این پژوهش به طور مستقل به سیره امام سجاد (ع) در مواجهه با تبعیض نژادی پرداخته شده است؛ مسئله‌ای که در دنیای متلاطم امروز به روشنی دیده می‌شود و نیازمند آگاهی از مواجهه صحیح با آن از منظر خاندان وحی هستیم.

۳. تبعیض نژادی و پیامدهای آن

تبعیض نژادی به هر نگرش یا عمل یا ساختاری گویند که فرد یا گروهی را به دلیل رنگ، پوست یا ویژگی‌های نژادی، او را کوچک بشمارند (صلیبی، ۱۳۸۲: ص ۲۷۷). در واقع، زمانی که برای یک گروه امتیاز قائل شویم که می‌تواند آزادانه از حقوق خود استفاده کند و برای گروه دیگر هیچ حق و حقوقی قائل نباشیم، تبعیض نژادی صورت گرفته است (ممنی، ۱۳۴۹: ص ۹). مصادیق تبعیض نژادی گاه به صورت آشکار و فردی است که در این صورت رفتارهای ستمگرانه علیه گروه‌ها یا افراد زبردست است و گاه پوشیده و نهادی است که در این صورت رفتار ناعادلانه به شکل ساختاری انجام می‌گیرد (آبرکرامبی و دیگران، ۱۳۶۷: ص ۳۱۱). تبعیض نژادی نوعی پیش‌داوری همراه با رفتارهای منفی است. زمانی که افراد در یک جامعه طبقه‌بندی می‌شوند ارزش آنان با معیار طبقه‌ای که در آن قرار داشته‌اند، مشخص می‌شود. طبقه‌بندی افراد موجب اختلاف و فاصله بین آنان می‌شود و اصل برابری و برادری در جامعه به سمت فراموشی می‌رود و تنها به دلیل عضویت شخصی در یک طبقه اجتماعی پایین یا یک طبقه‌ای که در جامعه ارزش و احترامی ندارد، رفتارهای منفی نسبت به آن شخص نشان داده می‌شود (صلیبی، ۱۳۸۲: ص ۸۲).

حتی در کشورهایی مانند آمریکا که خود را مدافع حقوق بشر می‌دانند، تبعیض نژادی در ابعاد گوناگونی وجود دارد. برای نمونه در تحقیقی که در این باره در خود آمریکا انجام شده است، نشان

می‌دهد که بسترهای تبعیض نژادی به آشکال متفاوت وجود دارد و هیچ اقدام قابل توجهی برای مقابله با این پدیده ناپسند اجتماعی وجود ندارد. این پژوهش نشان می‌دهد که در حوزه‌های مهمی همچون آموزش، درآمد، خدمات پزشکی، احساس خوش بختی، زندگی خوب، خانواده، وضعیت استخدام، پس‌انداز دوران بازنشستگی و حتی اینترنت، تفاوت معناداری میان سفیدپوستان و رنگین‌پوستان وجود دارد (شاه‌قاسمی، ۱۴۰۰: ص ۵-۳۹).

این انحراف، اثرات منفی در پیکره یک جامعه وارد می‌کند؛ به طوری که در تمام ابعاد مختلف زندگی اعم از بیولوژی، منطقه‌ای، اجتماعی، آموزشی، اقتصادی و سیاسی تأثیرگذار است. اگر یک نژاد خاص بر نژاد دیگر برتری و رجحان پیدا کند، در تمامی ابعاد، این برتری و رجحان نمایان می‌گردد (عبادی، ۱۳۴۲: ص ۳۴).

تبعیض نژادی در آموزه‌های دینی همواره مورد نکوهش قرار گرفته است و پیامدها و آثار سوء فراوانی را برای آن برشمردند. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: فراهم شدن زمینه برای تضییع حقوق دیگران (آل عمران: ۷۵)، زمینه‌سازی تقلید و پیروی کورکورانه (بقره: ۲۷؛ هود: ۶۲، ۸۷)، فراگیر شدن ظلم در جامعه (بقره: ۹۴-۹۵؛ جمعه: ۶-۷)، (هاشمی، ۱۳۸۹: ج ۳، ص ۴۲۲)، گسترش نابرابری و ناعدالتی، ایجاد اختلاف طبقاتی و از بین رفتن حقوق افراد جامعه (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، ص ۳۴۴). از آنجایی که این انحراف اجتماعی در عصر امام سجاد علیه السلام بسیار فراگیر بود و پیامدهای منفی در عرصه‌های گوناگون زندگی مردم و حتی در تلقی مردمان آن دوران از اسلام و رفتار حکام سرزمین‌های اسلامی داشت؛ آن حضرت به شیوه‌های گوناگون به مقابله با این پدیده برخاست. ضرورت اهمیت تبیین دیدگاه امام به عنوان امام معصوم و الگوی عملی برای مسلمانان در دوران معاصر، از دلایل انجام پژوهش حاضر است.

۴. شرایط حاکم بر جامعه دوران امام سجاد علیه السلام

عصر امام سجاد علیه السلام یکی از بدترین دوران در طول تاریخ تشیع بوده است؛ چراکه ارزش‌های

اسلامی از بین رفته بود، حکمرانی حاکمان دوران امام همراه با گسترش نابرابری و تبعیض آشکار در جامعه بود (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۲۱۷). بنابراین، علاوه بر مشکلات اجتماعی دیگر همچون فقر، ظلم، اختلاف طبقاتی؛ تبعیض نژادی هم در جامعه آن روز در حال افزایش بود.

از دیگر مسائل دوران امام، رشد برخی نحله‌ها و جریان‌های فکری و عقیدتی مانند اندیشه مرجئه و جبریه بود که به خاطر تأیید انحراف تبعیض نژادی از پشتیبانی حاکمان نیز برخوردار بود. امویان، از این دو جریان فکری برای گسترش تبعیض نژادی استفاده می‌کردند و به وسیله این دو دیدگاه، برتری طلبی خود را توجیه می‌کردند. در واقع، هم تبعیض نژادی را به طور مستقل و ساختاری در جامعه رواج می‌دادند و هم برتری خود را با این روش‌های فکری به اثبات می‌رساندند (عطوان، ۱۳۷۱: ص ۹۵، ۴۰)؛ در نتیجه، کسی را که در رأس امور حکومت قرار داشت، برترین مردم می‌دانستند. در چنین شرایطی، دور از انتظار نبود که مردمان آن دوران، تحت تأثیر تبلیغات سوء بنی‌امیه، حتی خلیفه را برتر از پیامبر (ص) قلمداد کنند؛ و مجموع این عوامل، زمینه مناسبی برای گسترش تبعیض، از جمله تبعیض نژادی، فراهم آورد.

تبعیض نژادی در نظام اندیشه اسلام و در رأس آن قرآن کریم، امری کاملاً مبعوض است و به مناسبت‌های مختلف پس از طرح نمونه‌هایی از نژادپرستی در طول تاریخ، آن را محکوم کرده و انسان‌ها را از آن برحذر داشته است. برای نمونه، نژادپرستی شیطان (حجر: ۳۲-۳۴)، نژادپرستی عرب و تعصب شدید آن‌ها نسبت به قوم عرب (شعراء: ۱۹۸-۱۹۹؛ فاطر: ۴۲)، تجاوز و تضييع حقوق دیگران توسط فرعون و اهل کتاب مخصوصاً یهودیان به خاطر خود برتر بینی (آل عمران: ۷۵؛ مومنون: ۴۵-۴۷، زخرف: ۵۱-۵۲) برخی از موارد مذکور در قرآن است.

نژادپرستی یهود به شکل‌های مختلفی جلوه‌گر می‌شد؛ مانند اختصاص بهشت به خود (بقره: ۱۱۱)، خود را فرزند خدا خواندن (مائده: ۱۸)، معرفی خود به عنوان دوست انحصاری خداوند (مائده: ۱۸؛ جمعه: ۶)، کفرورزی یهودیان (بقره: ۹۱) و انحصاری کردن سرای آخرت به قوم یهود (بقره: ۹۴) (هاشمی، ۱۳۸۹: ج ۳، ص ۴۲۳-۴۲۴).

انحراف اجتماعی نژادپرستی ریشه در دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام داشته و معصومان علیهم السلام با این پدیده مبارزه کرده‌اند. آنان همواره بر تساوی نژادها تصریح می‌کردند و در سیره آنان هیچ‌گونه تبعیض نژادی دیده نمی‌شود. توجه ویژه به سلمان فارسی، انتخاب بلال حبشی به عنوان مؤذن، و تقسیم مساوی بیت المال بین عرب و عجم، از نمونه‌های مبارزه عملی با نژادپرستی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است (منصوری، ۱۳۹۲: ص ۱۲۶). امام علی علیه السلام نیز به تأسی از قرآن و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آشکال گوناگون با این پدیده ناپسند اجتماعی مبارزه کرده‌اند (کیان، ۱۳۹۴: ص ۱۱۱-۱۳۰). در ادامه به تبیین جلوه‌ها و مظاهر تبعیض نژادی در دوران امام سجاد علیه السلام پرداخته می‌شود.

۵. جلوه‌های تبعیض نژادی در دوران امام سجاد علیه السلام

امامان علیهم السلام همواره تبعیض نژادی را نکوهش کرده‌اند و به آشکال مختلف با آن مبارزه کرده‌اند؛ اما در دوران امام سجاد علیه السلام حکومت بنی امیه برای حفظ قدرت، به گسترش تبعیض نژادی روی می‌آورد تا سلطه و حکمرانی خود را بیشتر کند. در واقع، امام سجاد علیه السلام با یکی از ابزارهای قدرت طلبی امویان، مقابله کرد. آنان با این انحراف در جامعه تفرقه ایجاد می‌کردند تا بتوانند به اهداف خود دست پیدا کنند. در ادامه، به مهم‌ترین مصادیق و مظاهر تبعیض نژادی این دوران اشاره می‌شود.

۵-۱. مقدم دانستن عرب بر غیرعرب

یکی از مهم‌ترین مصادیق تبعیض نژادی توسط بنی امیه، مقدم دانستن عرب بر غیرعرب بود. این در حالی است که در جامعه اسلامی مقدم دانستن یک نژاد بر نژاد دیگر معنایی ندارد. از نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «انسان‌ها از زمان آدم تا امروز همچون دانه‌های شانه‌اند، نه عرب را بر عجم برتری است و نه سرخ را بر سیاه، مگر به پرهیزگاری» (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۲۲، ص ۳۴۸). مطابق گفتار امام علی علیه السلام حضرت آدم نه غلام به دنیا آورد و نه کنیز؛ همه بندگان خدا هستند و فرقی بین سیاه

و سفید و عرب و عجم نیست (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۴۱، ص ۱۰۶). در دوران امام سجاد علیه السلام نیز حاکمان وقت به بهانه اینکه پیامبر ﷺ از میان اعراب و از قبیله قریش انتخاب شده است، عرب و قریش را بر دیگران برتر می دانستند (شهیدی، ۱۳۶۲: ص ۲۲۵). نتیجه چنین تفکری تقسیم مردم به عرب و موالی بود (کلبی، ۱۳۶۴: ص ۸۲-۸۳)؛ ولی روشن است که منشأ این تبعیض قابلیت قابل، یعنی عرب، نیست؛ بلکه، فاعل (یعنی پادشاهان و حاکمان)، این تبعیض را به جهت یک ترجیح بلامرجح موجه پنداشته است (عمرانی، ۱۴۰۱: ص ۱۱۱). در ادامه نمونه هایی از تبعیض نژادی و تقدم اعراب بر موالی ارائه می شود:

الف. اخذ مالیات بیشتر از غیرعرب ها

گرفتن مالیات بیشتر از غیرعرب ها توسط حاکمان اموی در دوران امام، نمونه ای از این تقدم بی جا و نژادپرستی بود. به علاوه، این مالیات ها چند برابر مالیات هایی بود که از اعراب گرفته می شد. بنی امیه در صورتی که موالی، خیلی فقیر بودند و قادر به پرداخت مالیات نبودند، زن یا فرزند یا برادرش را از او می گرفتند و در بازار برده فروشی می فروختند (جرداق، ۱۳۷۶: ج ۶، ص ۶۲۱). از این رو، با گرفتن مالیات سنگین از آنان تسلط خود را بر موالی، بیشتر می کردند. حجاج (م. ۹۵ ق) اولین کسی بود که از تازه مسلمانان غیرعرب جزیه گرفت. او به غیرعرب هایی که تازه مسلمان شده بودند و به سوی شهرها می آمدند، دستور داد به روستاهای خود بازگردند و بر روی دستان آن ها نقشی می بست تا دیگر به شهر بازنگردند (جرداق، ۱۳۷۶: ج ۶، ص ۶۲۰).

ابن زیاد (م. ۶۷ ق) برای توجیه گرفتن مالیات بیشتر از موالی می گفت: «اگر از عرب ها مالیات می گرفتم، کینه مرا به دل می گرفتند و اگر مالیات را از آنان نمی گرفتم امور جامعه دچار کم و کاست می شد، ناگزیر از موالی مالیات گرفتم؛ چون گرفتن مالیات از آن ها راحت تر است؛ در عین حال عرب بر آنان تسلط دارد» (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق: ج ۴، ص ۱۴۰).

ب. رفتار خشونت‌آمیز با غیرعرب‌ها

از دیگر مظاهر تقدم عرب بر غیرعرب توسط حاکمان بنی‌امیه، رفتارهای خشونت‌آمیز با غیرعرب‌ها بود. حجاج بن یوسف (م. ۹۵ق) از حاکمان آن دوران، خشن‌ترین رفتار را با موالی داشت؛ به طوری که حجاج به برادرش گفت: «یکی از غلامان خود را بر اسب قرار بده، اگر هلاک شد که شد!! و اگر نجات یافت که از آن توست و می‌توانی دوباره آن را به کارگیری» (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۶، ص ۳۳۶). نمونه دیگر از این خشونت، زمانی بود که درگیری میان سپاه مصعب با مختار ثقفی، مَهْلَب (فرمانده ارتش) افراد سپاه خود را تشویق می‌کرد که از جنگ با مختار ثقفی پرهیز کنند؛ زیرا بسیاری از لشکریان مختار را موالی تشکیل می‌داد. او می‌ترسید لشکریانش در مقابل سپاه مختار شکست بخورند و به صورت ذلت‌باری کشته شوند؛ به همین خاطر می‌گفت: «برای چه خودکشی می‌کنید؟ شما با این غلامان هم‌شان نیستید. چرا باید با آن‌ها یکسان کشته شوید؟» (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق: ج ۴، ص ۲۶۸-۲۶۹). بنابراین، تبعیض نژادی در میان حاکمان و عرب‌ها به قدری رخنه کرده بود که در هنگام کشته شدن، نمی‌خواستند همانند غلامان و کنیزان و غیرعرب‌ها کشته شوند. آنان همین را مصداقی از تبعیض نژادی در آن دوران به شمار می‌آوردند.

ج. منصوب کردن عرب‌ها در پست‌های مهم

یکی دیگر از مظاهر تبعیض نژادی، منصوب کردن عرب‌ها و نه شایسته‌سالاری در پست‌های مهم حکومتی بود. این روش برخلاف سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود. برای مثال، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فردی جوان و شایسته را به نام اسامة بن زید به فرماندهی انتخاب کرد؛ در حالی که پدر او از موالی بود. این تنها نمونه‌ای از رفتار اهل بیت علیهم‌السلام مقابل هرگونه تبعیض نژادی و نابرابری بوده است (ابراهیم حسن، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۲۰۸).

بررسی اسامی امیران حج، فرماندهان جنگ و کارگزاران دوران امویان نشان می‌دهد که بسیاری از مناصب حکومتی در حصر امویان و نزدیکان آنان بوده و عده‌ای خاص و محدودی، اداره جامعه را در دست می‌گرفتند (یعقوبی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۳۹). در چنین جامعه‌ای، غیرعرب‌ها نه می‌توانستند

در نبردها، خط مقدم باشند و نه می‌توانستند مرزبان و یا حکمران مسلمانان باشند؛ بلکه از آنان برای اهداف جاسوسی و خدمت به حاکمان استفاده می‌کردند. کنترل سیاست‌های نظامی، در دسترس داشتن پست‌های کلیدی، مسئولیت قضاوت میان مسلمانان و اجرای احکام اسلام را اعراب بر عهده داشتند. تبعیض نژادی چنان دامن‌گیر گشت که حتی غیرعرب‌ها نمی‌توانستند منصب کوچکی مانند امام جماعت نمازها را عهده‌دار باشند (هلالی، بی‌تا: ص ۳۲۶). در واقع امویان، سیاست عربی کردن تمام بخش‌های دولتی را دنبال می‌کردند.

۵-۲. مباحثات ورزیدن برخی قبائل بر یکدیگر

دومین نمونه از مصادیق بارز و آشکار تبعیض نژادی در عصر امام سجاد (ع) مباحثات ورزیدن برخی قبائل نسبت به یکدیگر بود. این امر که از پشتیبانی حاکمان اموی نیز برخوردار بود، باعث ایجاد شکاف میان مسلمانان و گسترش هرچه بیشتر تبعیض نژادی میان مردم می‌شد. حاکمان اموی نه تنها بایادآوری مفاخر قبیله‌ای و مباحثات ورزیدن به نسب و قبیله خود، بلکه در تأیید برتری عرب، اقدام به جعل احادیث کردند و حتی تا جایی پیش رفتند که احادیث دروغ به پیامبر (ص) نسبت دادند. مباحثات ورزیدن و تعصب نسبت به نژاد عجم و جعل احادیثی در تأیید آن، به طور گسترده از سیاست‌های ناپسند امویان نشئت گرفته بود. برای این منظور، آنان ابتدا آتش تعصب قبیله‌ای را برافراشتند و سپس خود را برتر از غیرقریش دانستند. امویان همچنین مصالح گروهی از مردم را فدای مصالح عرب و مصالح موالی و عرب را هم فدای مصالح قبیله‌ای کردند (جرداق، ۱۳۷۶: ج ۶، ص ۶۱۷-۶۱۸، ۶۲۶).

این مباحثات ورزیدن به قوم و قبیله خود، چنان در جان و دل آنان رسوخ کرده بود که حتی فرزند برای یکی از والدین متوفای خود که از قبیله دیگری بود، دعا نمی‌کرد. برای نمونه: «مردی از قبیله ازد، حین طواف کعبه برای پدر خود دعا می‌کرد. به او گفتند: چرا برای مادرت دعا نمی‌کنی؟ گفت: او از قبیله تمیم است!» (جرداق، ۱۳۷۶: ج ۶، ص ۶۱۳). این مثال نشان می‌دهد که تعصب و

مباهات به یک قوم خاص، آن‌چنان در جامعه آن روز رخنه کرده بود که فرزند برای مادر خود از قبیله دیگر ارزشی قائل نبود و تنها اهداف و مباهات به قبیله خودش، برایش ارزش داشت و این نتیجه تبلیغات و سیاست‌هایی بود که امویان در جامعه آن روز بنا کرده بودند (ابراهیم حسن، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۳۵۷-۳۵۸).

علاوه بر موارد پیش‌گفته، شاعران بزرگ دوران اموی نیز تحت تأثیر عصبیت و تفاخر قبیله‌ای شعر می‌سرودند یا به نقد شعر دیگران می‌پرداختند. برای مثال، جریر و فرزدق و احطل، هر یک دیگری را با شمردن معایب قبیله‌ای، هجو می‌کردند و قبیله یکدیگر را مورد سرزنش قرار می‌دادند (کلبی، ۱۳۶۴: ص ۸۳).

۵-۳. انسان دانستن عرب‌ها برخلاف غیرعرب‌ها

یکی دیگر از مظاهر بسیار خشن تبعیض نژادی، انسان دانستن عرب‌ها برخلاف غیرعرب‌ها بود. این تفکر از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشت؛ به طوری که عتاب بن اسید بعد از دیدن اذانِ بلال گفت: «سپاس خدای را که پدرم زنده نیست، تا این روز را ببیند». حارث بن هشام نیز او را کلاغی سیاه توصیف کرد (جرداق، ۱۳۷۶: ج ۶، ص ۶۲۶). پیامبر صلی الله علیه و آله در اعتراض به آنان فرمود: «من پیامبر سرخ و سیاه هستم و برای همه مردم برانگیخته شده‌ام» (کاتب واقدی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۱۲۷). از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله با تبعیض نژادی به طور عملی به مخالفت پرداخت. ریشه‌های تبعیض نژادی که به وسیله سخنان و رفتارهای پیامبر صلی الله علیه و آله خشکانده شده بود، دوباره بعد از وفات ایشان در دوران خلفا جوانه زد که شاخ و برگ‌های آن در زمان خلفای بنی‌امیه به خصوص در زمان حاکمیت معاویه فراوان شد. معاویه عرب‌ها را انسان، و غیرعرب‌ها را انسان‌نما می‌دانست و آنان را به عنوان نگهبانان حکومت خود به کار می‌گرفت و آنان را تحقیر می‌کرد (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ج ۴، ص ۱۱). برای مثال، او در پاسخ به نامه‌ای از طرف زیاد بن سمیه چنین گفت: «عجم‌ها را خوار و ذلیل کن، دورشان نما و از آنان یاری مگیر و نیازشان را برآورده مساز». معاویه در این نامه، به زیاد بن سمیه یادآوری می‌کند که

کاش عُمَر مانند دیگر سنت‌های ناپسندش سنت عجم‌کشی را ایجاد می‌کرد؛ زیرا آنان آفت‌های دین هستند. زیاد بن سمیه، بعد از خواندن این نامه از خلق و خوی شیطانی معاویه یاد کرد و گفت: «من از پیروی از آل محمد بیرون آمدم و به پیروی از خط شیطان روی آوردم» (هلالی، بی‌تا: ص ۳۲۷، ۳۲۹). همین رفتار نژادپرستانه بود که وقتی قبیله جُعی برای بیعت کردن با عبدالملک نزد او رفتند، به خاطر غیبت «ابویوب»، عبدالملک کنیه او را تغییر داد و او را «ابوقبیح» نام نهاد (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۶، ص ۱۶۲). تبعیض نژادی چنان گسترش یافته بود که امویان سه فرد را موجب قطع نماز می‌دانستند: «درازگوش»، «موالی» و «سگ»؛ و معتقد بودند که آنها صرفاً برای خدمتگذاری عرب آفریده شده‌اند (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۶، ص ۶۱۵). شعبی و صالح بن مسلم وارد مسجدی شدند که حماد و اصحابش که همگی از موالی بودند در آنجا نشسته و در حال بحث و گفت‌وگو بودند. شعبی از سر نفرت گفت: «به خدا قسم، موالی این مسجد را آن‌چنان مورد نفرت من قرار داده‌اند که ارزش آن در نظر من از زباله‌دان خانه‌ام پایین‌تر است».

۴-۵. ازدواج نکردن عرب‌ها با غیرعرب‌ها

یکی دیگر از مصادیق تبعیض نژادی در زمان امام سجاده علیه السلام ازدواج نکردن عرب‌ها با غیرعرب و موالی بوده است و در صورت ازدواج فردی از یک قبیله با موالی موجب سرزنش و شماتت آن قبیله می‌شد (عبادی، ۱۳۴۲: ص ۱۲۹). البته اجازه نمی‌دادند مرد موالی با زن عرب ازدواج کند. براساس یک گزارش تاریخی، فرماندار بصره یک موالی را به دلیل ازدواج با یک زن عرب کتک زد (کاتب واقدی، ۱۴۱۸ق: ج ۷، ص ۲۶). همین قضیه برای اعراب بنی سلیم در منطقه «روحاء» اتفاق افتاد. وقتی حاکم مدینه خبر ازدواج دختری از آنان با یکی از موالیان را شنید، دستور داد آنان از هم جدا کنند و شوهر را دوستانه تازیانه زد و سر و ریش و ابروهایش را تراشید (جرداق، ۱۳۷۶: ج ۶، ص ۶۱۴). بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد اهمیت مبارزه امام سجاده علیه السلام با تبعیض نژادی و روش ایشان در برخورد با این پدیده شوم، دوچندان ارزشمند است؛ چراکه جامعه دوران امامت حضرت، پر

از التهاب و خفقان شدید از طرف حکام زمان بوده است. با وجود چنین شرایطی امام براساس موقعیت‌های مختلف با تمام قوا با این مکروه اجتماعی مقابله کرد. این مبارزه با دوروش نظری و عملی به شرح زیر صورت گرفت:

۶. روش‌های مبارزاتی امام سجاد (علیه السلام) در مواجهه با تبعیض نژادی

پیش از تبیین روش‌های امام سجاد (علیه السلام) به طور خلاصه به بیان رویکرد تقابلی قرآن با مسئله تبعیض نژادی پرداخته می‌شود. قرآن کریم با سه رویکرد «تندیزی»، «تعدیلی» و «تثبیتی» به مواجهه با این انحراف پرداخته است. در رویکرد «تندیزی» عواقب سوء ناشی از برتری جویی قومی و نژادی مورد توجه قرار می‌گیرد. در رویکرد «تعدیلی» ملاک‌های واقعی ارزش‌گذاری که جایگزین عوامل بی‌اصالت می‌گردد، تبیین می‌شود و در رویکرد «تثبیتی» کیفیت نهاده‌سازی آموزه‌های اخلاقی اسلام در حوزه عدالت اجتماعی و منع تبعیض‌های ناروا بررسی می‌شود (کشتگر و دیگران، ۱۳۹۹: ص ۱۰۷). امام سجاد (علیه السلام) نیز برای مقابله با تبعیض نژادی در جامعه در هر سطحی با دوروش نظری و عملی به مقابله پرداخت.

۶-۱. روش‌های نظری

این پدیده شوم اجتماعی در هر اندیشه و آیینی، به ویژه در دین مبین اسلام، مورد نکوهش بوده است و پیامبر نور و رحمت و برابری، محمد (صلی الله علیه و آله)، و پس از ایشان معصومان (علیهم السلام)، هر یک به گونه‌ای با این پدیده به مبارزه پرداخته‌اند. رضوان‌فر در کتابی پژوهشی با عنوان برابری و نفی تبعیض از دیدگاه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) به صورت تحلیلی به ابعاد تبعیض، خاستگاه، پیامدها و راهکارهای مبارزه با تبعیض و نابرابری از دیدگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پرداخته و تلاش کرده است نمونه‌هایی از آیات و روایات و سیره نظری و عملی پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مبارزه با این پدیده به تصویر بکشد (رضوان‌فر، ۱۳۸۶: ص ۱-۷۹). امام سجاد نیز (علیه السلام) با توجه به شرایط حاکم بر جامعه با سلاح دعا، سخن و

تبیین اندیشه صحیح، با این پدیده شوم اجتماعی مبارزه کرد و تلاش می کرد تا بصیرت و آگاهی عمومی مردم را افزایش دهد. در ادامه، به تبیین معارفی پرداخته می شود که امام از مسیر بیان آن ها به مواجهه با این پدیده ناپسند اجتماعی پرداخته و آگاهی جامعه را افزایش داده است.

۶-۱. آگاهی بخشی در عدم سودرسانی نسب و نژاد در پیشگاه خداوند

یکی از روش های امام برای مواجهه با تبعیض نژادی بصیرت افزایی در میان عموم جامعه درباره سود نرساندن نسب و نژاد در پیشگاه خداوند است. عدم سودرسانی نسب در روز قیامت مورد تأکید قرآن^۱ و پیامبر اکرم (ص)^۲ نیز هست. این دیدگاه در روایات وارد شده از امام سجاد (ع) نیز نمایان است. برای مثال، طاووس یمانی امام را ملاقات کرد و در حالی که امام با خدای خود راز و نیاز می کرد. از او پرسید: «ای فرزند پیامبر خدا، علت راز و نیاز فراوانت چیست؛ در حالی که پدرت حسن بن علی و مادرت فاطمه زهرا است و جد شما پیامبر خدا است؟» امام فرمود: «هیئات، هیئات، ای طاووس! سخن از پدر و مادر و جدم را کنار بگذار؛ چرا که خداوند بهشت را برای هر کسی آفریده است که خدا را اطاعت کند و کار نیک انجام دهد، هر چند برده حبشی باشد و آتش دوزخ برای کسی آماده شده است که فرمان او را مخالفت کند، هر چند قریشی باشد. مگر سخن خداوند را نشنیده ای که فرمود: در قیامت چیزی به شما سود نرساند، مگر کار نیک که آن را پیشاپیش می فرستی» (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۴۶، ص ۸۲).

از منظر امام سجاد (ع) اگر کسی بدکرداران قوم خود را بر نیک کرداران دیگران برتر بداند، دچار تعصب نژادی و قومیتی شده است (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۳، ص ۴۲۱). در سیره عملی امام سجاد (ع) نیز مخالفت با این پدیده ناپسند اجتماعی، جلوه گر است. برای نمونه، حضرت در سفرهای خود، نسبش را از افراد آن مکان، پنهان می کرد، وقتی از ایشان پرسیدند چرا نسب خود را پنهان می داری؟ فرمود: «من از این کار [بیان حسب و نسب] کراهت دارم» (محدث اربلی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۶۴۹؛ عطاردی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۲۰). امام سجاد (ع) با این سخن، رفتار ناپسند کسانی که به نسب خود

می‌بالیدند را نقض کرد و به دیگران آموخت که نَسَب و نژاد به هیچ انسانی بزرگی نمی‌بخشد. بنابراین، از سنت و سیره امام می‌توان دریافت: «میزان و ملاک خداوند برای ورود انسان به بهشت، عمل شخص است، نه نَسَب و نژاد».

۶-۲. مبارزه با خودبرتربینی انسان‌ها

از مهم‌ترین ریشه‌های تبعیض نژادی خودبرتربینی است. یکی از رسالت‌های امام در جامعه مسموم آن عصر، مبارزه با خودبرتربینی در سخنرانی‌ها و دعاها است. اگر انسان نیز همانند شیطان تکبر و خودبرتربینی وجودش را فرا بگیرد، عاقبتی همانند شیطان خواهد داشت. از نظر امام سجاد (علیه السلام) «نخستین چیزی که به سبب آن، نافرمانی خدا شد، تکبر بود که منجر به کفر شیطان شد» (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۳، ص ۱۹۷).

مبارزه با این صفت منفی در سنت و سیره امام هویدا است. ایشان نه تنها خود، عین فروتنی و تواضع بودند؛ بلکه دیگران را به فروتنی و تواضع در برابر خداوند تذکر می‌دادند (عروتی موفق، ۱۴۰۰: ص ۲۱۶). برای مثال، از ابو حمزه ثمالی نقل شده است که علی بن حسین (علیه السلام) می‌فرمود: «لَا حَسَبَ لِقُرْشِي وَلَا لِعَرَبِيٍّ إِلَّا بِتَوَاضُعٍ؛ هیچ امتیازی برای قریشی بودن و عرب بودن نیست، مگر به وسیله تواضع» (عطاردی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۴۸، ۵۴۳). آن‌گاه که امام در نماز و در محضر خدا به لرزه می‌افتد و چنان عبادت می‌کند که «زین العابدین» لقب می‌گیرد و دعا در درگاه خداوند را پیشه خود می‌سازد، در حقیقت نفی خودبرتربینی و بی‌توجهی به حسب و نسب را آموزش می‌دهد. امام می‌گوید: «تعجب دارم از متکبر فخور که دیروز از نطفه بوده و فردا مردار خواهد بود» (محدث اربلی، ۱۴۲۱ق: ج ۲، ص ۶۲۰-۶۲۱)؛ بنابراین امام در دعای روز بیست و هشتم ماه رمضان می‌فرماید: «خداوندا، از فخر و خودبزرگ‌بینی به تو پناه می‌برم» و در دعای روز بیست و ششم ماه رمضان نیز می‌فرماید: «خداوندا! قلب مرا از حسد و ظلم و کبر و خودپسندی و خودنمایی سالم بدار». همچنین ایشان در وقت گرفتاری‌ها این‌گونه دعا می‌کرد: «خداوندا، از خودبزرگ‌بینی و

گردن فرازی و فخرفروشی به تو پناه می‌برم» (عطاردی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۶۸۵؛ عطاردی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۱۴۲). امام همیشه تلاش می‌کرد تا آگاهی و بصیرت مردم را افزایش دهد.

۳-۱-۶. برابر و برادر دانستن انسان‌ها با یکدیگر

بنی‌امیه چنان باورهای عموم مردم را تغییر دادند که پذیرفته بودند برخی از اقشار جامعه از دیگران برترند. آنان با این رویکرد بر عموم مردم ستم روا داشتند و از افراد خاصی در مشاغل مدیریتی استفاده می‌کردند، اجازه اظهار نظر به مردم نمی‌دادند و سعی می‌کردند آن‌ها را در همه امور تابع نگه دارند (ابن‌کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۸، ص ۲۶۳).

در چنین فضایی یکی از رسالت‌های امام در بُعد نظری در مواجهه با انحراف اجتماعی تبعیض نژادی، آگاهی بخشیدن به عموم جامعه مبنی بر برابر بودن انسان‌ها با همدیگر است. امام سجاد (ع) در نامه خود به ابوحمره ثمالی، انقلاب زمانه و گردش ایام و ملاحظه مردم دنیا را بهترین دلیل بر بی‌اعتباری و فناء دنیا دانسته‌اند و معتقدند دنیا بزرگان را کوچک و انسان شریف را وسیع می‌کند (اصفهانی، بی‌تا: ص ۲۰۸). در این نامه، امام به برابری انسان‌ها اشاره می‌کند. از نظر ایشان همه افراد نزد خداوند یکسان هستند و این قدرت خداوند است که آنان را مطابق قابلیت‌هایشان بزرگ یا کوچک می‌دارد. مواسات و برابری انسان‌ها در نظام اندیشه‌ای امام سجاد (ع) چنان است که در دعای نیمه شعبان از خداوند می‌خواهد مواسات کردن نسبت به دیگران را نصیب ما گرداند (عطاردی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۷۴۵).

تبیین حقوق بردگان در رساله حقوق و سیره عملی و رفتاری امام با آنان به وضوح نشان از اهمیت این مسئله نزد وی دارد؛ به طوری که امام مردمان زمان خود را نسبت به اسلام حقیقی، و حقوق سیاسی و فرهنگی و اجتماعی خود آشنایی ساخت (تقی‌پور، ۱۴۰۰: ص ۱۰۸). ایشان در جای دیگری می‌فرماید: خدا او را مُسخر تو ساخته و به امانت به دست تو سپرده، و دیعه‌ای است که باید حفظش کنی، تا خوبی‌هایی که در حق او می‌کنی، برایت نگاه دارد؛ پس همچنان که خداوند در حق تو نیکی

فرموده، تو نیز در حق او نیکی نما و اگر او را نخواستی، خود را از مسئولیتش فارغ ساخته و او را عوض کن، مخلوق خدا را شکنجه مده؛ زیرا هیچ قدرتی بالاتر از قدرت خداوند وجود ندارد (عزیزی، ۱۳۹۰: ص ۳۷۲).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود امام به مالک برده یادآوری کرد که قدرتی بالاتر از بشر نیز وجود دارد و برده، تنها امانتی است که به دست انسان سپرده شده است. پس باید با وی نیکی کرد؛ همان‌طور که خداوند در حق مانیکی می‌کند. امام در این سخن «نفی هرگونه تبعیض و نابرابری»، «یادآوری عظمت و قدرت بی‌نهایت خداوند» و «نفی غرور کاذب مالکان و صاحبان قدرت» را متذکر شده است. امام در جای دیگر حق برده آزاد شده را تبیین می‌کند. در اندیشه امام حق غلام آزاد شده این است که بدانی خداوند آزاد شدن او را به دست مالک، وسیله‌ای برای رسیدن به خودش و مانعی در برابر آتش دوزخ قرار داده است و پاداش نیک آزاد کردن او، ارث بردن از او است، اگر خویشاوندی نداشته باشد (عزیزی، ۱۳۹۰: ص ۳۷۴). حضرت با بیان حق برده آزاد شده، کرامت و عزت آنان را با دیگر افراد جامعه برابر می‌داند؛ همان‌گونه که مشاهده می‌شود امام با تأکید بر این حقوق و تبیین آن‌ها قدرت شناختی جامعه را در مواجهه با پدیده انحرافی تبعیض نژادی بالاتر می‌برد.

۴-۱-۶. توجه دادن به تقوا به عنوان ملاک برتری

تقوا معیار برتری انسان‌ها از دیدگاه قرآن و سنت است. قرآن هیچ‌گاه از تبعیض سخن نمی‌گوید؛ بلکه از تفاوت‌ها سخن می‌گوید و دلیل تفاوت‌ها و تنوع نژادها را بیان کرده است. آیه ۱۳ سوره حجرات دلیل این امر را «شناسایی و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر» ذکر کرده است، نه برتری یکی از آنان بر دیگری. مطابق این آیه، «تقوا» عامل برتری انسان‌ها بر همدیگر است، نه قومیت و رنگ و ملیت (محمدجعفری، ۱۳۹۰: ص ۱۴۱-۱۶۱). بنابراین، هرگونه تبعیض نژادی میان انسان‌ها با همین عامل تقوا مردود اعلام شده است (هاشمی، ۱۳۸۹: ج ۳، ص ۴۴۲-۴۴۳). ملاک برتری تقوا در میان انسان‌ها، در سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام نیز بارها مورد تأکید قرار گرفته است (کیان، ۱۳۹۴:

ص ۱۰۵-۱۳۲). برای نمونه، در روایت امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ» (حکیمی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۷۰۳؛ کراکجی، ۱۳۹۴: ج ۱، ص ۲۱)، هرگونه تبعیض نژادی با صراحت رد شده و ملاک برتری، تقوا دانسته شده است. امام سجاده علیه السلام نیز در حدیث «لَا حَسَبَ لِقُرْشِيِّ وَلَا لِعَرَبِيٍّ إِلَّا بِتَوَاضُعٍ وَلَا كَرَمٍ إِلَّا بِتَقْوَى» برتری انسان‌ها را در قریشی یا عرب بودن نمی‌داند؛ بلکه در فروتنی و تقوا می‌داند (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۷، ص ۲۸۷).

امام حتی در دوران اسارت پس از واقعه عاشورا نیز در سخنرانی خود معیار برتری را حسب و نسب ندانسته و به برخی از مصادیق تقوا اشاره کرده است. ایشان می‌فرماید: «ای مردم، شش چیز به ما داده شد و بر هفت چیز برتری یافتیم؛ دانش، بردباری، بخشندگی، سخنوری، دلاوری و محبوبیت در دل مؤمنان». همان‌طور که از سخنان امام نمایان است، آنچه انسان‌ها را از یکدیگر برتر می‌سازد، صفت‌های پسندیده و تقوا است. امام در شرایط اسارت و خفقانی که وجود داشت و با توجه به عدم آزادی بیان، توانست به‌طور غیرمستقیم با تبعیض نژادی مقابله کند. در واقع این‌گونه سخنوری برای نفی یک پدیده شوم اجتماعی، جز از امام معصوم بر نمی‌آید؛ زیرا امام از همه دسیسه‌ها، سیاست‌ها و القائات فکری امویان آگاه بود. با اینکه آن حضرت نمی‌توانست به‌طور علنی با تمام وضعیتی که حاکمان وقت پدید آورده بودند مقابله کند؛ اما راه رویارویی با آنان را هوشمندانه می‌دانست و رسالت خویش را به انجام رساند. در آن شرایط اگر امام با فرعونیان زمان خود به‌طور آشکارا مخالفت می‌کرد، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شد. بنابراین، ایشان با سخنان خود تمام آنچه که لازم بود، مطرح می‌کرد و مردم را نسبت به پدیده ناپسند اجتماعی آگاهی می‌داد (برای نمونه‌های بیشتر، ر.ک: کاتب واقدی، ۱۴۱۸: ج ۵، ص ۲۱۹).

۶-۲. روش‌های عملی

امام در مبارزه با تبعیض نژادی، افزون بر روش‌های نظری و آگاهی‌بخشی، به‌صورت عملی و در متن جامعه نیز با این پدیده مقابله می‌کرد. برخی از مصادیق مبارزات عملی در ادامه تبیین می‌شود:

۶-۲-۱. نشست و برخاست با بردگان، تبیین حقوق آن‌ها و آموزش معارف اسلام به آنان

پیامبر ﷺ به بردگان توجه خاصی داشت، با آنان روی زمین غذا می‌خورد و دربارهٔ آنان می‌فرمود: «أَرْقَاؤُكُمْ إِخْوَانُكُمْ فَأَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ؛ بندگان شما برادران شما هستند با آن‌ها نیک‌ی کنید» (پاینده، ۱۳۸۲: ص ۲۰۶). ایشان در روایتی دیگر می‌فرماید: «در رفتار با بردگان، خدا را در نظر داشته باشید، شکم‌هایشان را سیر کنید و تن‌هایشان را بپوشانید» (ابن صوفی نسابی، ۱۴۲۲ق: ص ۷۶). علاوه بر پیامبر ﷺ، امامان علیهم‌السلام نیز چنین رفتاری را داشتند. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمود: «من خجالت می‌کشم انسانی که خدا را می‌پرستد، به بندگی بگیرم» (ابراهیم حسن، ۱۳۷۶: ج ۱، ص ۲۱۳). امام سجاد علیه‌السلام همانند جد بزرگوارشان با طبقات پایین جامعه، آن‌چنان هم‌نشینی می‌کرد که انگار خود جزئی از آنان است. ایشان حتی بندگان خود را فرزند می‌نامید و با تعبیر «یا بُنّی» صدا می‌زد (موسوی مرقم، ۱۳۷۴: ص ۴۳۷). حضرت با همین تعبیر کوتاه، مقابل هر آنچه امویان برای از بین بردن برابری تلاش کردند، ایستاد و با بندگان در نوع گفتار و کردار همانند یک پدر برای فرزند عمل می‌کرد که ثمرهٔ آن پرورش انسان‌های درست‌کار در جامعهٔ فاسد آن روزگار بود.

روایت شده روزی امام سجاد علیه‌السلام غلامش را دو بار صدا کرد و جوابی نشنید؛ ولی بار سوم پاسخ داد. امام علت پاسخ ندادن او را پرسید، غلام عرض کرد: «چون ایمن از شما هستم و هراسی از شما ندارم». حضرت فرمود: «سپاس خدایی که غلام مرا از من ایمن قرار داده است» (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ص ۱۴۷). گفتار غلام حاکی از این است که امام به‌گونه‌ای با بندگان خود رفتار کرده است که آنان نزد مالک خود احساس آرامش می‌کردند و نه تنها چنین احساسی در وجود آنان نقش بسته بود؛ بلکه ترس و ناامنی نزد چنین مالکی معنایی نداشت؛ درحالی‌که هر برده‌ای، همواره ترس از مالک خود دارد. گفتار حضرت پیام‌آور این است که بندگان همانند دیگر انسان‌ها هستند و تبعیض، معنایی ندارد و نه تنها نابرابری امری ناپسند است؛ بلکه آنان مانند هر انسانی حقوقی دارند. به همین دلیل، امام خداوند را شاکر است که از او ایمن هستند.

در میان غلامانی که نزد امام زندگی می‌کردند، عده‌ای سیاه‌پوست بودند که آن حضرت به آنان کار

می داد و زمانی که کارشان به اتمام می رسید، هر خواسته ای داشتند برآورده می کرد و سپس آزادشان می کرد و به آنان هدیه ای می داد (امین عاملی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۶۳؛ کاتب واقدی، ۱۴۱۸ق: ج ۵، ص ۲۱۵). ایشان مخارج زندگی بردگان را همانند مردم عادی به گونه ای تأمین می کرد که احتیاجی به دیگران نداشته باشند. طبق این روایت، امام مدافع حقوق بردگان بوده است؛ حقوقی که در جامعه تاریک آن زمان رعایت نمی شد؛ چون اسلام به فراموشی سپرده شده بود. علاوه بر نشست و برخاست با بردگان، آموزش دین اسلام و احکام شریعت نیز از جمله روش های عملی مبارزه با تبعیض نژادی دانست. از ابو حمزه ثمالی نقل شده است که با علی بن الحسین (ع) نماز خواندیم بعد از نماز، به کنیزش فرمود: «هرگز سائل را از خانه محروم نکن». کنیز گفت: «امروز سائلی نیامد که مستحق باشد». حضرت فرمود: «می ترسم بعضی از آن ها مستحق بوده باشند و آن ها را اطعام نکرده باشی» (اصفهانی، بی تا: ص ۳۷۶). می توان گفت بردگان تبدیل به افراد تربیت شده ای گشتند که نه تنها صدای برابری را شنیده بودند؛ بلکه در صدد نشر معارف ناب اسلام از جمله برابری در سطح جامعه برآمدند.

۲-۲-۶. آزادسازی بردگان

بردگان همواره جزء قشر ضعیف جامعه بودند و مورد اهانت و تحقیر قرار می گرفتند؛ اما دین اسلام از بردگان حمایت می کند. این حمایت در همه مواضع از جمله در معمولی ترین تکالیف دین مانند صف های نماز جماعت و مراسم طواف کعبه، آشکار است. این توجه و پشتیبانی به قدری است که قرآن و سنت به اشکال مختلف سعی در آزادسازی بردگان دارد. در منطق قرآن آزادسازی بردگان گاه از مصادیق تقوا (بقره: ۱۷۷) و گاه خون بهای قتل یک مؤمن (نساء: ۹۲) و گاه کفاره گناه دانسته شده است (مجادله: ۳). پیامبر (ص) نیز بردگان را مورد عنایت خود قرار می داد. ایشان علاوه بر توجه و آزادی بردگانی همچون زید بن حارثه و بلال و سلمان، عالی ترین ارزش های اجتماعی را به آنان هدیه می کرد و آنان را از افراد تأثیرگذار به حساب می آورد و آنان را فرماندهان

جنگ قرار می داد؛ مانند زید بن حارثه که فرمانده سپاه شد و بلال که مؤذن پیامبر ﷺ شد و سلمان به منزله یکی از نزدیک ترین یاران پیامبر ﷺ شناخته شد. اهل بیت ﷺ نیز ادامه دهنده راه پیامبر ﷺ بودند. برای مثال، گفته شده است که امام علی ﷺ هزار برده را از دسترنج خود آزاد کرده است (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، ص ۷۴)، رقا بم امام علی ﷺ نیز پس از اینکه یکی از بردگانش کار نیکی انجام داد فرمود: «فَاذْهَبْ فَأَنْتَ حُرٌّ لَوْجِهَ اللَّهِ تَعَالَى فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَسْتَخْدِمَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۲۷).

با همه حمایت ها و سفارش های قرآن و پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ درباره بردگان، برخی حاکمان آن دوران، مانند یزید بن معاویه، برای بیعت گرفتن از مردم، آنان را برده و بنده خود می پنداشتند (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ج ۴، ص ۱۱۸). در چنین فضایی امام سجاد ﷺ طلایه دار مبارزه با تبعیض نژادی بود. آزادسازی بردگان از جمله مهم ترین روش های عملی امام در برخورد با تبعیض نژادی بود و جزئی از کارهای تبلیغاتی برای اسلام حقیقی محسوب می گشت؛ به گونه ای که حضرت آن را سنت پیامبر ﷺ و کفاره بعضی از گناهان می دانست و دیگران را به انجام این عمل ترغیب می کرد. امام می فرمود: «من دوست دارم در حالی خدایم مرا ببیند که از بردگانی که در ملک من بودند، شماری را در دنیا آزاد کرده باشم به امید اینکه مرا از آتش دوزخ آزاد سازد». ایشان غلامان سیاه را می خرید و در حالی که هیچ نیازی به آنان نداشت، آن ها را به عرفات می آورد و مشکلات آن ها را رفع می کرد و بعد از گذر از عرفات همه را آزاد می کرد و هدیه مالی به آن ها می داد. امام چنان به آزادی بردگان اهمیت می داد که می فرمود: «هیچ مؤمنی نیست که برده مؤمنی را آزاد کند، مگر اینکه خداوند در برابر هر عضوی از برده، عضوی از او را از آتش دوزخ آزاد سازد» (عطاردی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۳۱-۱۳۲؛ عطاردی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۴۰۱-۲۴۱). برخورد حضرت با تبعیض نژادی به وسیله خریدن و آزاد کردن آنان بود. این روش جز از امام معصوم بر نمی آید؛ چرا که هیچ شخصی با خرید برده، زمینه آزادی او را فراهم نمی کند و هیچ مالکی با خرید مملوک به او آزادی نمی دهد. این نوع خرید برده از طرف امام از جنس دربند بودن نبود؛ بلکه از جنس آزادی بود. به همین دلیل، بردگان

خود را در معرض دید امام قرار می‌دادند که به ظاهر در بند باشند و در باطن آزاده. خریدی که نتیجه‌اش آزادی باشد، روش عملی امام در مواجهه با این انحراف بود.

این روش به گونه‌ای بود که اگر حتی بردگان خطایی مرتکب می‌شدند باز هم زمینه‌ای برای آزادی آنان فراهم می‌گشت. برای نمونه روایت شیخ مفید در این باره مثال زدنی است:

یکی از کنیزان آب به دست امام می‌ریخت، تصادفاً چرت زده، ابریق از دستش افتاد و دست حضرت را خراشید. کنیز به خطای خود پی برد، عرض کرد: خداوند متعال می‌فرماید: «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ». امام فرمود: «آتش خشم خود را خاموش ساختم.» عرض کرد: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ». فرمود: «خدا از تو درگذشت.» عرض کرد: «وَاللَّهُ يَجِبُ الْمُحْسِنِينَ». فرمود: «من هم به تو احسان کرده و تو را در راه خدا آزاد نمودم» (مفید، ۱۴۱۳ ق: ج ۲، ص ۱۴۶-۱۴۷).

امام سجاده علیه السلام هر سال با فرارسیدن عید فطر، غلامان بسیاری را آزاد می‌کرد. اگر غلامی را در اول سال یا نیمه سال خریداری می‌کرد، همین که شب عید فطر فرا می‌رسید، او را آزاد می‌کرد و در سال جدید یکی دیگر را به جای آن خریداری می‌کرد (امین عاملی، ۱۴۰۳ ق: ج ۱، ص ۶۳۴). امام هزاران نفر را به این شکل آزاد کرده است و با آزاد سازی بردگان با یکی از بزرگ‌ترین انحرافات اجتماعی مقابله عملی می‌کرد.

۳-۲-۶. ازدواج با کنیزان و غیرعرب‌ها

قرآن کریم درباره ازدواج با کنیزان سخن گفته است (نور: ۳۲). علاوه بر تأکید قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله برای مقابله با تبعیض نژادی، به وسیله ازدواج بین دو قبیله یا دو نژاد پیوند ایجاد می‌کرد. نمونه تاریخی این مبارزه از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله آن بود که ایشان زینب بنت جحش از بانوان بنی هاشم را به همسری غلام خود، یعنی حارث بن زید، درآورد و با این اقدام، افکار جاهلی عرب که در امر ازدواج، نژاد برایشان ملاک و معیار بود به سمت نابودی کشاند (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۴۶، ص ۱۳۹؛ بروجردی، ۱۳۸۶: ج ۲۵، ص ۲۰۲). از امام سجاده علیه السلام روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله با کنیز خود (صفیه) و با همسر برده خود

(زینب، همسر قبلی زید) ازدواج کرد (عطاردی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۱۸۹). در کنار نقش پیامبر ﷺ برای از بین بردن سنت عدم ازدواج با نژادهای دیگر، آغاز زندگی برخی از ائمه مانند امام رضا ﷺ و امام جواد ﷺ، خود به نوعی مصداق مخالفت با تبعیض نژادی بود. امام سجاد ﷺ نیز در دامن مادری چشم به جهان گشود که عرب نبود و از نژاد دیگر بود. در واقع، این موضوع زمینه‌ای را فراهم کرد که عرب نگاه خود را نسبت به ازدواج با غیرعرب تغییر دهد. زمانی که در مدینه ازدواج با کنیزان و اسیران و افراد غیرعرب ننگ بود، تولد حضرت از دامن مادری غیرعرب، ننگی این امر را از بین برد (امین عاملی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۶۲۹)؛ چراکه عصر امام سجاد ﷺ در اوج تبعیض نژادی بود.

مثال دیگر از برخورد امام با تبعیض نژادی، در پاسخ حضرت به نامه عبدالملک برمی‌گردد. امام زین العابدین ﷺ با کنیزی که خود آزاد کرده بود، ازدواج می‌کند و عبدالملک بن مروان، حاکم وقت، از این موضوع مطلع می‌گردد، طی نامه‌ای به حضرت، او را سرزنش و بازخواست می‌کند. او در نامه به امام سجاد ﷺ گفت:

تو می‌دانستی که در میان قریش کسی هست که می‌توانستی با او ازدواج کنی و با او سربلند می‌شدی و به واسطه این ازدواج فرزند نجیبی نصیب تو می‌گشت؛ اما تونه به خودت اندیشیدی و نه به فرزندی که از این ازدواج به جای می‌گذاری. امام در پاسخ به عبدالملک این چنین می‌نویسد: نامه‌ات به دستم رسید در این نامه مرا به خاطر ازدواج با کنیزم سرزنش کردی و چنین پنداشتی که از میان قریش کسی هست که با ازدواج با او، سربلندی و عزت حاصل من می‌شود و می‌توانم فرزندی داشته باشم که نجیب باشد؛ در حالی که نمی‌دانی عزت و جوانمردی کسی بالاتر از پیامبر خدا نیست. این کنیز ملک خودم بود و با اراده خدا و بر اثر کاری که پاداش آن را از خدا می‌خواهم از ملکیت خود خارج نمودم، سپس من بار دیگر او را مطابق سنت پیامبر بازگرداندم. هر کس در دین خدا پاک باشد هیچ خصلت دیگری به اعتبارش صدمه وارد نمی‌کند (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۵، ص ۳۴۴).

روشن است سخن عبدالملک ریشه در نژادپرستی دوران جاهلیت و خودخواهی و خودبرتربینی دارد. عبدالملک، امام را سرزنش می‌کند که چرا با قریشیان وصلت نکرده‌ای و سربلندی برای خود ایجاد نکردی. تمام صحبت‌های عبدالملک رنگ و بوی تبعیض نژادی دارد. او وصلت با نژاد خاص را موجب سربلندی می‌دانست و نجیب بودن فرزندان را در ازدواج با نژاد خاص تلقی می‌کرد. امام در پاسخ به عبدالملک چند مورد را گوشزد می‌کند: هیچ خصلت و ویژگی غیر از ناپاکی، به عزت و اعتبار کسی لطمه وارد نمی‌کند. پستی، کار و عمل شما است که هنوز تفکر جاهلیت خود را دارید و با خودبرتربینی و نابرابری و تبعیض به دیگران، ظلم می‌کنید، و دیگر آنکه ازدواج با کنیز آزادشده، موافق با سنت پیامبر (ص) است و در پایان، تبعیض نژادی در اسلام ممنوع و مخالف دستورات دین اسلام است.

۷. نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت:

الف. دوران امام سجاد (ع) سراسر پر از جلوه‌ها و مظاهر تبعیض نژادی بود. برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: مقدم دانستن عرب بر غیرعرب، مباحات و وزیدن برخی قبائل بر یکدیگر، انسان دانستن عرب‌ها برخلاف غیرعرب، ازدواج نکردن عرب‌ها با غیرعرب.

ب. امام برای مقابله با پدیده شوم تبعیض نژادی و روشن کردن حقیقت و همچنین جلوگیری از بدبین شدن مردم نسبت به اسلام حقیقی، هم در بُعد شناختی و اعتقادی (نظری) و هم در بُعد عملی به مبارزه با پدیده شوم تبعیض نژادی پرداخت.

ج. برخی از روش‌های مبارزاتی امام در مواجهه با تبعیض نژادی در بُعد نظری و شناختی عبارت‌اند از: آگاهی‌بخشی در عدم سودرسانی نَسَب و نژاد در پیشگاه خداوند، مبارزه با خودبرتربینی انسان‌ها، برابر و برادر دانستن انسان‌ها با یکدیگر، توجه دادن به تقوا به عنوان ملاک برتری.

د. برخی از مهم‌ترین روش‌های عملی امام سجاد علیه السلام در مواجهه با تبعیض نژادی عبارت‌اند از: نشست و برخاست با بردگان، تبیین حقوق آن‌ها و آموزش معارف اسلام به آنان، آزادسازی بردگان، ازدواج با کنیزان و غیرعرب‌ها، رفتار یکسان با عرب و غیرعرب در برخوردهای اجتماعی.

پیشنهادهای

۱. تحلیل انتقادی خاستگاه تبعیض نژادی در عصر هریک از معصومان علیهم السلام؛
۲. نقش هریک از مظاهر تبعیض نژادی در رویگردانی مردم نسبت به اسلام حقیقی در دوران امامان علیهم السلام؛
۳. روش‌های مبارزاتی هریک از ائمه به صورت جداگانه در مقابله با تبعیض نژادی؛
۴. شیوه‌های گسترش تبعیض نژادی توسط حاکمان اموی و عباسی در دوران امامان علیهم السلام.

محدودیت‌های پژوهش

۱. گزارش‌های تاریخی متفاوت و گاه متناقض منابع تاریخی به‌ویژه منابع تاریخی مرتبط با مورخان و کاتبان درباری؛
۲. کمبود منابع تحلیلی و مستند درباره بررسی و نقد منقولات تاریخی مرتبط با مسئله مورد پژوهش.

پی‌نوشت‌ها

۱. خطابات قرآن عموماً به شکل «یا بَنِي آدَمَ»، «یا أَيُّهَا النَّاسُ»، «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» و «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ» آمده است.
۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِيْتُونِي بِأَعْمَالِكُمْ لَا بِأَحْسَابِكُمْ وَأَنْسَابِكُمْ» (صدوق، ۱۳۷۸ق: ج ۲، ص ۲۳۵؛ ورام، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۲۲۸).

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- صحیفه سجادیه.
- ابراهیم حسن، حسن (۱۳۷۶)، تاریخ سیاسی اسلام، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صار- دار بیروت.
- ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۰۸ق)، البداية والنهاية، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- اصفهانی، عمادالدین حسین (بی تا)، زندگانی حضرت سجاده علیه السلام زین العابدین علیه السلام، تهران: بی جا.
- امین عاملی، سید محسن (۱۴۰۳ق)، أعيان الشيعة، بیروت: دارالتعارف.
- آبرکرامبی، نیکلاس؛ هیل، استفن؛ ترنر، برایان (۱۳۶۷)، فرهنگ مآخذ و مراجع جامعه شناسی، مترجم، حسن پویان، تهران: چاپخش.
- آقابخش، علی (۱۳۷۴)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶)، جامع احادیث الشيعة، تهران: فرهنگ سبز.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحة، تهران: دنیای دانش.
- تقی پور، علیرضا (۱۴۰۰)، «حقوق بشر از دیدگاه صحیفه سجادیه و رساله حقوق»، دوفصلنامه دعاپژوهی، ش ۱، ص ۹۷-۱۰۸.
- جرداق، جورج (۱۳۷۶)، امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی، مترجم: سیدهادی خسروشاهی، قم: خرم.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰)، الحیة، مترجم: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۶۲)، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، محقق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.

صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

صلیبی، ژاسنت (۱۳۸۲)، فرهنگ توصیفی روان‌شناسی اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، تاریخ طبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث. عبادی، عبدالحمید (۱۳۴۲)، اسلام و مسئله نژادپرستی، مترجم: سید محمود خضری، تهران: انتشارات بعثت.

عروتی موفق، اکبر (۱۴۰۰)، «خودشناسی و نتایج و ثمرات آن در آینه ادعیه امام سجاد (ع)»، دوفصلنامه دعاپژوهی، ش ۱، ص ۲۰۵-۲۱۸.

عزیزی، عباس (۱۳۹۰)، صحیفه کامله سجادیه امام سجاد (ع)، قم: انتشارات صلاه. عطاردی، عزیزالله (۱۳۸۸)، مسند امام سجاد (ع)، مترجم: محمدرضا عطائی، تهران: عطارد. عطوان، حسین (۱۳۷۱)، فرقه‌های اسلامی در سرزمین شام در عصر اموی، ترجمه: حمیدرضا شیخی، مشهد: آستان قدس رضوی.

کاتب واقدی، ابن سعد (۱۴۱۸ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه. کراکجی، محمد بن علی (۱۳۹۴ق)، معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، محقق: احمد حسینی، تهران: المكتبة المرتضوية.

کشتگر، امیر؛ میرحسینی، سیداحمد؛ جعفری، علی (۱۳۹۹)، «واکاوی رویکرد اخلاق‌شناسی قرآن کریم در مواجهه با تبعیض قومی و نژادی»، فصلنامه پژوهشنامه اخلاق، ش ۵۰، ص ۱۰۵-۱۲۴.

کلبی، هشام بن محمد (۱۳۶۴)، الأصنام، تحقیق: احمد زکی باشا، تهران: نشر نو. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش)، الکافی، تهران: اسلامیه.

کیان، مرجان؛ نظام اسلامی، فهیمه؛ موسی وند، سحر (۱۳۹۴)، «واکاوی مفهوم تبعیض نژادی و راهبردهای مقابله با آن بر مبنای فرمایشات حضرت علی (ع)»، فصلنامه اخلاق، ش ۲۰، ص ۱۰۵-۱۳۲.

- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران: اسلامیه.
- محدث اربلی، علی بن عیسی (۱۴۲۱ق)، كشف الغمة في معرفة الأئمة، قم: رضی.
- محمدجعفری، رسول؛ جلالی، مهدی (۱۳۹۰)، «راهبردهای قرآن برای مقابله با تبعیض نژادی»، دوفصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۱۶، ص ۱۴۱-۱۶۳.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، قم: کنگره شیخ مفید.
- مّمّی، آلبر (۱۳۴۹)، چهره استعمارگر چهره استعمارزده، مترجم: هما ناطق، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- منصوری، فرنگیس (۱۳۹۲)، «بررسی حقوق اقلیت های دینی و نژادی در حکومت پیامبر اسلام (ص)»، مجله اندیشمندان حقوق، ش ۶، ص ۹۹-۱۱۳.
- موسوی مقرر، سید عبدالرزاق (۱۳۷۴)، رهبر آزادگان، مترجم: مرتضی فهیم کرمانی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق)، مجموعه وژام، قم: مکتبه فقیه.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۹)، فرهنگ قرآن، قم: بوستان کتاب.
- هلالی، سلیم بن قیس (بی تا)، تاریخ سیاسی صدر اسلام، مترجم: محمودرضا افتخارزاده، تهران: رسالت قلم.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.

References

A. Primary Sources (Scriptures)

1. *The Holy Qur'an*.
2. *Nahj al-Balāghah*.
3. *Al-Shahīfah al-Sajjādiyyah*.

B. Secondary Sources

Abercrombie, Nicholas; Stephan Hill; Bryan Turner, 1367 SH. *Farhang-e Ma'ākhidh va Marāje'-e Jāme'ah Shināsī*. Translated by Ḥasan Pūyān. Tehran: Chāpkhash.

- Āqā Bakhshī, 'Alī. 1374 SH. *Farhang-e 'Ulūm-e Siyāsī*. Tehran: Markaz-e Ittilā'āt va Madārik-e 'Ilmī-ye Īrān.
- 'Azīzī, 'Abbās. 1390 SH. *Ṣaḥīfah-ye Kāmilah-ye Sajjādiyyah-ye Imām Sajjād (AS)*. Qom: Intishārāt-e Ṣalāh.
- Al-'Āmilī, al-Sayyid Muḥsin al-Amīn. 1403 AH. *A'yān al-Shī'ah*. Beirut: Dār al-Ta'aruf.
- Burūjirdī, Āqā Ḥusayn. 1386 SH. *Jāmi' Aḥādīth al-Shī'ah*. Tehran: Farhang-e Sabz.
- Warram ibn Abi Firas, Mas'ūd ibn 'Īsā. 1410 AH. *Majmū'at Warrām*. Qom: Maktabah Faqīh.
- Hilālī, Sulaym ibn Qays. n.d. *Tārīkh-i Siyāsī-i Ṣadr-i Islām*. Translated by Maḥmūd Riḍā Iftikhārẓādah. Tehran: Risālat-e Qalam.
- Al-Irbilī, 'Alī ibn 'Īsā. 1421 AH. *Kashf al-Ghummaḥ fī Ma'rifat al-A'immah*. Qom: Raḍī.
- Isfahānī, 'Imād al-Dīn Ḥusayn. n.d. *Zendegānī-ye Ḥaẓrat-e Sajjād Zayn al-'Ābidīn (AS)*. Tehran: n.p.
- Al-Kalbī, Hishām ibn Muḥammad. 1364 SH. *Al-Aṣnām*. Edited by Aḥmad Zakī Bāshā. Tehran: Nashr-e Naw.
- Al-Karājakī, Muḥammad ibn 'Alī. 1394 AH. *Ma'dīn al-Jawāhir wa Riyāḍat al-Khawāṭir*. Edited by Aḥmad Ḥusaynī. Tehran: Al-Maktabah al-Murtaḍawīyyah.
- Al-Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb. 1362 SH. *Al-Kāfī*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Al-Majlisī, Muḥammad Bāqir. 1363 SH. *Biḥār al-Anwār al-Jāmi'ah li Durar Akhbār al-A'immah al-Aṭhār*. Tehran: Islāmiyyah.
- Al-Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad. 1413 AH/1992. *Al-Irshād fī Ma'rifat Ḥujaj Allāh 'alā al-'Ibād*. Qom: Kungirah-ye Shaykh Mufīd.
- Al-Ṣadūq, Muḥammad ibn 'Alī. 1378 AH. *'Uyūn Akhbār al-Riḍā (AS)*. Edited by Maḥdī Lājawrdī. Tehran: Nashr-e Jahān.
- Al-Ṣadūq, Muḥammad ibn 'Alī. 1413 AH. *Kitāb Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh*. Qom: Daftar-e Intishārāt-e Islāmī, Jāmi'ah-ye Mudarrisīn Ḥawzah 'Ilmiyyah Qom.
- Al-Ṭabarī, Muḥammad ibn Jarīr. 1387 AH. *Tārīkh al-Ṭabarī*. Edited by Muḥammad Abū al-Faḍl Ibrāhīm. Beirut: Dār al-Turāth.
- 'Aṭārudī, 'Azīz Allāh. 1388 SH. *Musnad al-Imām al-Sajjād (AS)*. Translated by Muḥammad Riḍā 'Aṭṭā'ī. Tehran: 'Aṭṭārd.

- ‘Aṭwān, Ḥusayn. 1371 SH. *Firaq-e Islāmī dar Sarzamīn-e Shām dar ‘Aṣr-e Umavī*. Translated by Ḥamīd Riḍā Shaykhī. Mashhad: Āstān-e Quds-e Raḍawī.
- Ibrāhīm Ḥasan, Ḥasan. 1376 SH. *Tārīkh-e Siyāsī-ye Islām*. Translated by Abu al-Qāsim Pāyandeh. Tehran: Jāvīdān.
- Ibn al-Athīr, ‘Alī ibn Muḥammad. 1385 AH. *Al-Kāmil fī al-Tārīkh*. Beirut: Dār Ṣādir - Dār Bayrūt.
- Ibn Kathīr, Ismā‘īl. 1408 AH. *Al-Bidāyah wa al-Nihāyah*. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Kātib al-Wāqidi, Muḥammad Ibn Sa’d. 1418 AH. *Al-Ṭabaqāt al-Kubrā*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyyah.
- Jurdāq, Jurj. 1376 SH/1997. *Imām ‘Alī (‘a) Ṣidā-ye ‘Adālat-e Insānī*. Translated by al-Sayyid Hādī Khurshāhī. Qom: Khurram.
- Ḥakīmī, Muḥammad Riḍā. 1380 SH. *Al-Ḥayāh*. Translated by Aḥmad Ārām. Tehran: Daftar-e Nashr-e Farhang-e Islāmī.
- Kishtgar, Amīr; Mīr Ḥusaynī, al-Sayyid Aḥmad; Ja‘farī, ‘Alī. 1399 SH/2020. “Vākāvī-ye Ruykard-e Akhlāq Shināsī-ye Qur’ān-e Karīm dar Muwājahah bā Tab‘īz-e Qawmī wa Nijādī.” *Faṣlnāmah-ye Pazhūhishnāmah-ye Akhlāq* 50: 105–124.
- Kiyān, Marjān; Nizām Islāmī, Fahīmah; Mūsāvand, Saḥar. 1394 SH/2015. “Vākāvī-ye Mafhūm-e Tab‘īz-e Nijādī wa Rāhbardhā-ye Muqābalah bā Ān bar Mabnā-ye Farmāyishāt-e Ḥazrat-e ‘Alī (‘a).” *Faṣlnāmah-ye Akhlāq* 20: 105–132.
- Manṣūrī, Farangīs. 1392 SH. “Barrasī-ye Huqūq-e Aqalliyathā-ye Dīnī wa Nijādī dar Hukūmat-e Payāmbār-e Islām (s).” *Majallah-ye Andīshmandān-e Huqūq* 6: 99–113.
- Memmī, Albar. 1349 SH/1970. *Chihrah-ye Ist’mārgir, Chihrah-ye Isti’mārzadah*. Translated by Humā Nātiq. Tehran: Sharikat-i Sahāmī-i Intishārāt-i Khwārazmī.
- Muḥammad Ja‘farī, Rasūl; Jalālī, Mahdī. 1390 SH. “Rāhbardhā-ye Qur’ān barā-ye Muqābalah bā Tab‘īz-e Nijādī.” *Dufaṣlnāmah-ye Taḥqīqāt-e ‘Ulūm-e Qur’ān wa Ḥadīth* 16: 141–163.
- Mūsawī Muqarram, al-Sayyid ‘Abd al-Razzāq. 1374 SH. *Rahbar-e Āzādegān*. Translated by Murtaḍā Fahīm Kirmānī. Tehran: Daftar-e Nashr-e Farhang-e Islāmī.
- Pāyandah, Abu al-Qāsim. 1382 SH. *Nahj al-Faṣāḥah*. Tehran: Dunyā-ye Dānish.
- Ṣalībī, Zhāsant. 1382 SH. *Farhang-e Tawṣīfī-ye Ravān Shināsī-ye Ijtimā‘ī*. Tehran: Pazhūhishgāh-e ‘Ulūm-e Insānī wa Muṭāla‘āt-e Farhangī.

- Shahīdī, al-Sayyid Ja‘far. 1362 SH. *Tārīkh-e Taḥlīlī-ye Islām tā Pāyān-e Umaviyān*. Tehran: Markaz-e Nashr-e Dānishgāhī.
- Taqīpūr, ‘Alī Ridā. 1400 SH. “Ḥuqūq-e Bashār az Dīdgāh-e Ṣaḥīfah-ye Sajjādiyyah wa Risālah-ye Ḥuqūq.” *Dufaṣlnāmah-ye Du ‘āpazhūhī* 1: 97–108.
- ‘Urwatī Muvaffaq, Akbar. 1400 SH. “Khud Shināsī va Natāyij va Thamarāt-e Ān dar Āyīnah-ye Ad‘īyah-ye Imām Sajjād (AS).” *Dufaṣlnāmah-ye Du ‘āpazhūhī* 1: 205–218.
- ‘Ibādī, ‘Abd al-Ḥamīd. 1342 SH. *Islām va Mas‘alah-ye Nizhādparastī*. Translated by al-Sayyid Maḥmūd Khidrī. Tehran: Intishārāt-i Ba‘that.
- Hāshimī Rafsanjānī, Akbar. 1389 SH. **Farhang-e Qur‘ān**. Qom: Bustān-e Kitāb.
- Al-Ya‘qūbī, Aḥmad ibn Abī Ya‘qūb. n.d. *Tārīkh al-Ya‘qūbī*. Beirut: Dār Ṣādir.